مطالعه عوامل مؤثر و زمینه‌ساز اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی در ایران*

حسین ضابط پور کردی[1]
علی‌اکبر امین بیدختی[2]*
علی‌محمد رضایی[3]
ابراهیم صالحی عمران[4]

چکیده

پژوهش حاضر باهدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل زمینه‌ساز و مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی ایران صورت گرفته است. پژوهش از نوع آمیخته بوده که در بخش کیفی داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری‌شده و با کدگذاری باز، محوری و انتخابی عوامل زمینه‌ساز و مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی شناسایی شد. در بخش کمی با استفاده از پرسشنامه ماحصل کار کیفی و بهره‌گیری از تحلیل سلسله مراتبی ازنظر ۵۰ نفر عضو هیئت‌علمی و متخصصان آموزش عالی به اولویت‌بندی عوامل زمینه‌ساز و عوامل مؤثر پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عوامل زمینه‌ساز اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی شامل ٦ مفهوم اصلی در قالب ٦٠ مقوله است که مفاهیم اصلی به ترتیب بر اساس تحلیل سلسله مراتبی عبارت‌اند از: عوامل قانونی، سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی. همچنین عوامل مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی در ۸ مفهوم اصلی در قالب ۹۰ مقوله دسته‌بندی‌شده‌اند این مفاهیم اصلی به ترتیب بر اساس تحلیل سلسله مراتبی عبارت‌اند از: عوامل مربوط به تدوین خط‌مشی، عوامل اداری، ساختاری و بوروکراتیک، عوامل حمایتی، عوامل مربوط به نهادهای اجرایی، تجارب و مهارت‌های مجری، عوامل پشتیبانی، انتخاب ابزار مناسب اجرای خط‌مشی، عوامل محیطی و جغرافیایی است.

کلید واژگان: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، خط‌مشی گذاری عمومی، نظام آموزش عالی

---

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان: طراحی مدل اجرای خط مشی های آموزش عالی کشور در دانشگاه سمنان، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه علوم تربیتی سال ۱۳۹۷ می باشد.

۱. دانشجوی مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، پست الکترونیک: h.zabetpour@semnan.ac.ir
۲. استاد مدیریت آموزشی ، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ،دانشگاه سمنان ، مسئول مکاتبه،پست الکترونیک: a.aminbeidokhti@semnan.ac.ir
۳. دانشیار علوم تربیتی ، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان،پست الکترونیک: rezaei_am@semnan.ac.ir
٤. استاد علوم تربیتی ، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران،پست الکترونیک: edpes60@hotmaile.com

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

مقدمه و بیان مسئله

خط‌مشی‌های عمومی از تصمیمات گرفته‌شده از سوی حکومت‌ها ناشی می‌شود، توماس دای[1] خط‌مشی عمومی را هر آنچه که حکومتی انتخاب می‌کند تا انجام دهد یا انجام ندهد تعریف می‌کند. (دای، ۱۹۹۲). جنکینز تا حدودی تعریف دقیق‌تری بیان می‌کند و خط‌مشی عمومی را «مجموعه تصمیمات متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی در مورد انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آن‌ها در شرایط مشخص، به‌شرط آنکه این تصمیمات به‌طور قانونی در چارچوب اختیارات بازیگران اتخاذ شده باشد» (جنکینز، ۱۹۷۸). جنکینز خط‌مشی گذاری را یک فرآیند می‌داند، برخلاف دای که آن را یک انتخاب تعریف می‌کند. کرفت[2] معتقد است که خط‌مشی به شیوه‌های مختلفی تعریف شدنی است، اما اصولاً سیاست عمومی سلسله‌هایی از اقدامات دولت در پاسخ به مشکلات اجتماعی است. خط‌مشی گذاری فرایندی است که چندین مرحله دارد. به این صورت که عوامل بی‌شماری که نقش اساسی را دارند، وظایف مختلفی را در راستای انجام و اجرای فرایند خط‌مشی گذاری ایفا می‌کنند. درباره فرایند خط‌مشی گذاری مطالبی مطرح‌شده که بر مراحل مختلفی از این فرایند تأکید کرده‌اند. به‌طوری‌که بریجمن[3] و داویس[4] فرایند خط‌مشی را در هشت مرحله: شناسایی مسئله[5]، تحلیل خط‌مشی[6]، ابزار خط‌مشی[7]، مشاوره و مشورت[8]، هماهنگی[9]، تصمیم،[10] کاربرد[11] و ارزشیابی[12] تشریح کردند. اندرسون اشاره می‌کند که مدل فرآیند خط‌مشی پنج مرحله دارد: ۱. تشخیص مسئله و تنظیم دستور کار؛ ۲. تدوین؛ ۳. گزینش؛ ٤. اجرا و ۵. ارزیابی. (اندرسون[13]، ۲۰۰٦:۱۹) .اجرا خط‌مشی در مفهوم کلی به معنای اجرای قانون است که در آن بازیگران، سازمان‌ها، رویه‌ها و روش‌های متفاوت درهم می‌آمیزد تا با تلاش، اهداف یک برنامه یا خط‌مشی پیشنهادی را به نتیجه مطلوب و مثبت برسانند.(لستر و استوارت، ۱۳۸۱) والدر معتقد است که؛ فرآیندهای سیاسی و شیوه‌های تصمیم‌گیری، معمولاً مهم‌ترین عواملی هستند که در یک نظام

1.Tomas Dye
2.Michel E. Kraft
3.Peter Bridgman
4.Glyn Davis
5.Identify issue
6.Policy analysis
7.Policy instruments
8.Consulation
9.Coordination
10.Decision
11.Implementation
12.Evaluation
13.Anderson

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

سیاسی بر تعیین مسائل و راه‌حل‌های آن‌ها اثر می‌گذارند. (والدر، ۱۹۷۲) .البته این مراحل جدا از هم نمی‌باشند بلکه در یک چرخه می‌باشند و پیوستگی و وابستگی متقابل بین تمام مراحل وجود دارد (قلی پور و همکاران ۱۳۹۰) اجرای خط‌مشی یک مرحله بسیار سخت از چرخه خط‌مشی گذاری است؛ زیرا در این مرحله است که مداخله واقعی دولت و پیامدهای آن دیده می‌شود. طبق نظر چارلز جونز اجرا عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی به‌منظور آن‌که یک برنامه یا یک خط‌مشی به نتیجه برسد. بامطالعه مرحله اجرای خط‌مشی‌ها، تحلیلگر سعی خود را به شناخت آنچه پس از تصمیم‌گیری واقع می‌شود، معطوف می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، به وقایع بروز یافته در سیستم اداری و نیز فعالیت‌ها و تلاش‌های انجام‌شده برای اجرای خط‌مشی و تأثیر در وضع محیطی خاصی یا گروهی خاص توجه می‌کند. در طول چند دهه گذشته آموزش عالی جهان با تغییرات اساسی و چالش‌های شدیدی مواجه شده است (فلکا و همکاران[1]، ۲۰۱٦). آموزش عالی دربرگیرنده مجموعه فعالیت‌هایی است که باهدف تولید علم و تشکیل سرمایه انسانی انجام می‌شود (ابطحی و ترابیان، ۱۳۸۹)؛ و سازمانی با نظام باز است و به علت همین ویژگی بر محیط خویش تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. دانشگاه در محیط قرار دارد و از عوامل محیطی ازجمله عوامل طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیکی تأثیر می‌پذیرد (زاهدی، ۱۳۸۳). حوزه علوم، تحقیقات و فناوری یکی از بخش‌های مهم در توسعه کشور است و کارکرد این حوزه در توسعه از طریق تدوین خط‌مشی‌های مناسب میسر می‌شود و کشورها در دنیای امروز از طریق خط‌مشی‌های حوزه علوم، تحقیقات و فناوری موفقیت خود را تضمین می‌کنند (عباسی و احمدی، ۱۳۹٦). با تدوین خط‌مشی مناسب در این حوزه می‌توان به فعالیت سایر حوزه‌ها وجهه علمی بخشید و نیروی انسانی شایسته و فناوری موردنیاز آن‌ها را نیز تأمین کرد؛ به همین سبب قلمرو مذکور برای رشد و بالندگی کشور حائز اهمیت است و در اسناد بالادستی نظیر برنامه‌های توسعه و خط‌مشی‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری نیز بر این مهم تأکید شده است. تاکنون برخی از خط‌مشی‌های تدوین‌شده، پس از تصویب در مرحله اجرا با ناکامی مواجه شده‌اند و مجریان، بسیاری از آن‌ها را به‌طور ناقص اجرا کرده‌اند، خط‌مشی گذاری عمومی آموزش عالی ایران مناقشه آمیز و بحث‌انگیز شده است، در خصوص موانع اجرای خط‌مشی‌های مطالعات مختلفی صورت گرفته است (ابطحی و ترابیان (۱۳۸۹)، عباسی و بیگی، (۱۳۹۵)، عباسی و احمدی (۱۳۹٦)، قلی پور و همکاران (۱۳۹۰) نیهاگن[2] و همکاران (۲۰۱۷)) ولی به‌طورکلی در زمینه اجرای خط‌مشی آموزش عالی پژوهش جامعی انجام نشده است، مسئله پژوهش حاضر شناسایی کردن عوامل زمینه‌ساز و مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی می‌باشد بدین ترتیب با مشخص شدن مؤلفه‌های بستر پدیده (عوامل مؤثر) و شرایط مداخله‌گر(عوامل

1.Fleaca & et al

2.Nyhagen

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

زمینه ساز) می‌توان با بهره‌گیری از گرندد تئوری و استخراج موانع اجرای خط‌مشی آموزش عالی به طراحی مدل مفهومی اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی پرداخت. به این منظور تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که: عوامل زمینه‌ساز و همچنین عوامل مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی کشور کدامند؟ و چه اولویتی دارند؟

ادبیات پژوهش

محققان و نظریه‌پردازان دو تعریف از اجرا ارائه کرده‌اند؛ «تعامل بین هدف‌گذاری و اعمال و اقداماتی که در جهت حصول به آن‌ها طرح ریزی شده است» و «قدرت و توانایی در ایجاد پیوندهای متوالی در زنجیره روابط علی به‌صورتی که نتایج مطلوب به دست آید» (الوانی و شریف‌زاده ۱۳۷۹). مرحله اجرای خط‌مشی را می‌توان به‌صورت فرآیندی که در آن برنامه‌ها یا خط‌مشی‌ها به اجرا گذاشته می‌شوند تعریف کرد. تا دهه ۱۹۷۰ فرض بر این بود که بلافاصله با تنظیم خط‌مشی می‌توان آن را به‌سادگی به اجرا درآورد. این تصور با انتشار کارهای پرسمن و ویلداوسکی[1] درباره اجرای برنامه‌ها دستخوش تغییر شد آن‌ها معتقد بودند که اجرا بدون پشتیبانی خط‌مشی گذاران امکان تحقق نخواهد داشت. (پرسمن و ویلداوسکی، ۱۹۷۳) مطالعات مربوط به اجرای خط‌مشی که به بررسی شیوه‌های تنظیم خط‌مشی می‌پردازند، معمولاً رویکردی از بالا به پایین دارند. در این رویکرد فرض بر این است که فرآیند خط‌مشی را همواره می‌توان به‌صورت مجموعه‌ای از سلسله فرمان‌هایی بیان کرد که رهبران سیاسی ترجیحات روشن خط‌مشی را مقوله‌بندی و تصریح می‌کنند تا با گذر از سطوح متعدد ساختار اداری دولت به اجرا درآیند. رویکرد از بالا به پایین از تصمیمات دولت شروع می‌شود، میزان موفقیت یا شکست اجرای تصمیمات را بررسی می‌کند و به دنبال یافتن دلایل زیربنایی مسائل اجرایی است. در این رویکرد فرض بر این است که اهداف خط‌مشی‌ها کاملاً روشن است. این رویکرد با پیدایش رویکرد "از پایین به بالا" موردانتقاد قرار گرفت. رویکرد پایین به بالا از بررسی کلیه عوامل خصوصی و عمومی شرکت‌کننده در اجرای برنامه‌ها آغاز می‌شود. به مطالعه دقیق اهداف شخصی و سازمانی، راهبردها و شبکه‌های تماس می‌پردازد و سپس راه خود را به بالا می‌گشاید تا اهداف راهبردها و روش‌های برخورد کسانی را که در طراحی، تأمین مالی و اجرای برنامه‌ها نقش داشته‌اند، روشن سازد. امتیاز عمده رویکرد پایین به بالا، توجه به مناسبات رسمی و غیررسمی پدیدآورندگان شبکه‌های خط‌مشی است که در ایجاد و اجرای خط‌مشی‌ها دخالت دارند. رویکرد پایین به بالا مطالعه اجرا را از تصمیم خط‌مشی جدا می‌کند و توجه خود را به مسائل خط‌مشی معطوف می‌دارد. به همین دلیل امکان بررسی کلیه بازیگران و مؤسسات عمومی و خصوصی

1.Pressman and Wildavsky

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

ذی‌ربط در مسئله را فراهم می‌آورند. برای رسیدن به شناخت جامع، هر دو رویکرد «بالا به پایین» و «پایین به بالا» باید با یکدیگر آمیخته شوند.

خط‌مشی‌های عمومی در اجرا دستخوش تغییر و تحولاتی می‌شوند که گاهی آن‌ها را از اهداف اولیه‌شان دور می-سازد. به‌بیان‌دیگر، مجریان به‌گونه‌ای تصمیمات را به اجرا درمی‌آورند که شکل تازه‌ای به خود می‌گیرند. علل این تغییرات می‌تواند مواردی باشد ازجمله: مشخص نبودن خط‌مشی، معیارهای مختلف و متعارض اجرا، نداشتن انگیزه اجرایی، دستورهای متفاوت، نداشتن صلاحیت و توانمندی مجریان و کافی نبودن منابع و امکانات اجرا (الوانی، ۱۳۸۷، به نقل از لیندبلوم، ۱۹۸٤). برخی نیز معتقدند » نباید اجرای ناقص خط‌مشی‌ها را صرفاً به مرحله اجرا و متولی این مرحله، یعنی دولت منتسب کرد .بسیاری از مشکلات به مرحله تدوین خط‌مشی و متولیان آن یعنی مجلس، نمایندگان و سایر خط‌مشی گذاران برمی‌گردد؛ همان‌طور که پالامبو و کالیستا (۱۹۹۰) گفته‌اند، اجرای موفقیت‌آمیز خط‌مشی‌ها، همان‌قدر که پیامد مرحله تدوین خط‌مشی است به همان میزان هم پیامد مسائل خاص اجرا و مسائل اداری است، اما به‌اشتباه بار گناه فقط به عهده مجریان گذاشته می‌شود. (مقدسپور و همکاران، ۱۳۹۲:۳۵).

نیل به یک خط‌مشی بهینه و یافتن راه‌حل حداکثری برای همه گروه‌های ذی‌ربط، امر دشواری است اما باید بدان توجه کرد. درواقع گذر به جوامع پایدار متضمن تغییر خط‌مشی‌ها و اتخاذ یک دیدگاه نظام‌مندتر است و این دیدگاه گسترده با انسجام خط‌مشی گره خورده است (هاتینین و همکاران[1]، ۲۰۱٤)؛ اما تنها در دیکتاتوری کامل می‌توان به خط‌مشی کاملاً منسجم دست‌یافت (ون در هوون، ۲۰۱۰). دستیابی به انسجام خط‌مشی دشوار است و اندیشمندان سیاسی بر عدم انسجام به‌مثابه رخدادی معمول و گاهی اجتناب‌ناپذیر اذعان دارند (ناتال[2]، ۲۰۰۵) و میزانی از عدم انسجام را در یک جامعه کثرت‌گرا می‌پذیرند (کاربون[3]،۲۰۰۸). جامع‌ترین مطالعه توسط مک کونیل[4] با عنوان درک موفقیت خط‌مشی انجام گرفت. وی طبقه‌بندی‌هایی از موفقیت، در قالب سه حوزه ارائه نمود: فرآیند، برنامه‌ها، سیاست‌ها (راتیر[5] و همکاران، ۲۰۱۲: ۲). سه فعالیت سازمان، تفسیر و کاربرد، در اجرای موفقیت‌آمیز، دارای اهمیت ویژه‌ای است (کرافت و فورلونگ[6]،۲۰۱۵: ۹۷). خلاصه مطالعات صورت گرفته طی سال‌های اخیر در جدول ذیل به‌صورت خلاصه بیان گردیده است.

1.Huttunen et al
2.Nuttall
3.Carbone
4.McConnell
5.Rutter
6.Furlong & Kraft

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

(جدول ۱) خلاصه مطالعات اخیر

نویسنده و سال	عنوان	نتیجه
بیگی و همکاران (۱۳۹۶)	طراحی نظام پایش و ارزشیابی برای خط‌مشی‌های وزارت علوم	در این تحقیق تلاش شده است تا با استفاده از مدیریت مبتنی بر نتایج یک مدل پایش و ارزشیابی طراحی‌شده و با استفاده از پنج معیار نافعیت، اثربخشی، کارایی، پایداری و تأثیر این مدل در حوزه وزارت علوم و تحقیقات و فناوری آزمون شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زمینه‌های لازم برای تدوین این مدل از معرفی پایش و ارزشیابی آغاز شده و با تقاضامحوری سه گروه عمده ارزیابان نهادی، فرانهادی و جامعه مدنی مسیر لازم برای تحقق آن از مسیر زنجیره مدیریت مبتنی بر نتایج فراهم می‌شود.
عباسی و بیگی (۱۳۹۵)	تبیین چالش‌های اجرای خط‌مشی‌های عمومی در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری	۲۵ عامل به‌عنوان موانع شناسایی‌شده‌اند که در قالب ۵ مؤلفه اصلی: موانع ناشی از عملکرد افراد و نهادهای خط‌مشی گذار، موانع ساختاری و مدیریتی، موانع ناشی از ماهیت مسائل حوزه عتف، موانع مربوط به مجریان خط و مشی و موانع محیطی دسته بندی شده است.
دوروتا[1] و همکاران (۲۰۱۸)	خط‌مشی گذاری آموزش عالی اروپا	در این پژوهش خط‌مشی‌های آموزش عالی اروپا موردبررسی قرارگرفته است و بر اهمیت تحصیلات عالی برای رشد اقتصادی اتحادیه اروپا تأکید شده است.
نیهاگن[2] و همکاران (۲۰۱۷)	بررسی ابزارهای اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی در اروپا	در این پژوهش به دو جنبه از اجرای سیاست تمرکز کردند. یکی از سیاست‌های اساسی آن است که ازلحاظ ابزارهای سیاست مانند قوانین و مقررات، انگیزه‌های مالی و ترتیبات سازمانی استفاده می‌شود. جنبه دوم فرآیند پیاده‌سازی به‌عنوان الگوهای مشارکت و اعتماد در میان بازیگران درگیر است. آن‌ها همچنین تغییرات متقابل ملی را با توجه به رابطه بین ساختارهای سیاسی–اداری، پروسه‌های پیاده‌سازی و پیامدهای اساسی تشریح کردند.

1.Dorota
2..Nyhagen

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

روش پژوهش

تحقیق حاضر از حیث هدف تحقیقی کاربردی است و از حیث نحوه گردآوری اطلاعات در دسته تحقیقات پیمایشی است و از حیث نوع پژوهش، پژوهشی آمیخته (کیفی، کمی) است به این صورت که ابتدا با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عوامل زمینه‌ساز و مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی کشور شناسایی شده و در مرحله بعد با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی عوامل شناسایی‌شده رتبه‌بندی شده است.

جامعه آماری این تحقیق در مرحله کیفی شامل خبرگان تحصیل‌کرده با شرط داشتن مدرک دکتری مدیریت (با تخصص خط‌مشی گذاری) یا مدارک پایین‌تر و غیر مرتبط درصورتی‌که حداقل ۱۰ سال سابقه خط مشی گذاری در آموزش عالی دارا باشند و یا جز مدیران ارشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باشد؛ که به سؤالات مصاحبه از قبیل عوامل زمینه‌ساز و مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی کشور را در چه می‌دانید؟ پاسخ دادند؛ که در تحقیق کنونی با ۱۳ مصاحبه اشباع[1] نظری حاصل شد؛ جایی که داده‌های جدیداً جمع‌آوری‌شده با داده‌هایی که قبلاً جمع‌آوری‌شده تفاوتی ندارد و کدهای مستخرج شده تکراری می‌شود. لازم به ذکر است مصاحبه‌های انجام‌شده به روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی موردبررسی قرارگرفته و عوامل مؤثر و زمینه‌ساز شناسایی شدند. بعد از استخراج عوامل زمینه‌ساز و مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی به طراحی پرسشنامه به‌منظور مقایسه زوجی میان عوامل اصلی پرداخته شد. برای پاسخگویی به سؤالات در پرسشنامه از طیف لیکرت نه‌گانه استفاده‌شده است. پرسشنامه تحلیل سلسه‌مراتبی را میان ۵۰ نفر از کارشناسان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، اعضا هیئت‌علمی مؤسسات پژوهشی زیرمجموعه وزارت علوم، اعضا هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران آموزش عالی و توزیع گردیده است.

یافته‌ها

معرف‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با خبرگان در دودسته کلی شامل عوامل زمینه‌ساز اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی و عوامل مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی تقسیم‌بندی شده‌اند. مصاحبه‌های انجام‌شده با رویکرد کدگذاری باز، محوری و انتخابی بررسی‌شده و نمونه‌ای از نتایج در قالب کدهای اولیه، مقوله فرعی و مقوله کلی به شرح زیر است.

یافته‌های حاصل از مصاحبه با نخبگان در خصوص عوامل زمینه‌ساز اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی منجر به استخراج ٦ عامل گردید این عوامل عبارت‌اند از: اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تکنولوژیکی و عوامل قانونی

1.Saturation

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

به‌صورت غیرمستقیم بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی تأثیرگذار بوده‌اند در ادامه به تشریح اجمالی این عوامل پرداخته می‌شود.

عوامل اقتصادی: علیرغم اینکه در اسناد سیاستی، هدف‌گیری سهم سه‌درصدی پژوهش از تولید ناخالص داخلی وجود دارد اما این هدف محقق نمی‌شود و هم‌اکنون سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص ملی ایران کمتر از یک درصد است و این رقم نزدیک میزان این سهم در سال ۱۳٤٦ بوده است. به اعتقاد خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش زمانی که دولت با کمبود بودجه مواجه می‌شود در اولین اقدام بودجه تحقیق و توسعه سازمان‌ها را محدود می‌کند و این محدودیت بودجه منجر می‌گردد که چرخه خط‌مشی گذاری کامل طراحی نگردد و تصمیمات کوتاه‌مدتی گرفته شود». برخی مشارکت‌کنندگان پژوهش نیز معتقدند «سازمان برنامه‌وبودجه به دلیل ماهیت آن‌که مورد مراجعه تمامی دستگاه‌ها و وزارت خانه قرار می‌گیرد، با حجم بالای درخواست‌ها برای افزایش بودجه مواجه است، در این میان دستگاه‌هایی موفق‌تر هستند که از ارتباطات قوی‌تر برخوردار بوده، دارای نفوذ بیشتری در سازمان می‌باشند و با توجه به عدم توجه دولت‌ها به آموزش عالی و در اولویت قرار نگرفتن آن، عملاً طرفداران محکمی را نیز در سازمان برنامه‌وبودجه نداشته، امکان رخداد نگاه متحولانه و افزایش قابل‌توجه بودجه را نمی‌توان داشت». برخی مصاحبه‌شوندگان در خصوص اقتصاد مقاومتی معتقد بودند که «سیاست‌گذاران در آموزش عالی باید استراتژی‌ها و راهبردهایی ارائه نمایند تا اهداف اقتصاد مقاومتی که باعث خودکفایی و خوداتکایی کشور در تمامی زمینه‌ها می‌گردد برنامه‌ریزی شود». بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها و مرور ادبیات تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که عوامل اقتصادی زمینه‌ساز اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی شامل متغیرهایی همچون: بودجه دولت، بودجه وزارت عتف، اقتصاد مقاومتی، تناسب اوضاع و شرایط اقتصادی می‌باشند.

عوامل سیاسی: ازنظر سیاسی گفته می‌شود که در جهان امروز «آموزش بعد چهارم سیاست خارجی است». همکاری آموزشی به‌منزله نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده روابط دیپلماتیک میان ملت‌ها محسوب می‌شود. ازآنجاکه اغلب نخبگان سیاسی از میان دانشگاهیان برگزیده می‌شوند، گسترش اعطای بورس‌های بین‌المللی و پذیرش دانشجویان خارجی به‌منزله نوعی معرفی فرهنگ و جامعه خود به رهبران سیاسی و مدیران ارشد آینده کشورهای جهان است. همچنین، روابط دانشگاهی می‌تواند موجب استحکام روابط سیاسی و اقتصادی میان دولت‌ها شود، به‌خصوص در شرایطی که روابط سیاسی و دیپلماتیک رسمی چندان مستحکم نیست، روابط دانشگاهی راهی برای تداوم و حفظ روابط و تعدیل کردن خصومت‌هاست. دراین‌باره «کمیته مشورتی دیپلماسی عمومی» دولت آمریکا در گزارش خود درباره «سیاست عمومی برای قرن بیست و یکم» که در سال ۱۹۹۵ منتشر شد، می‌نویسد: مبادلات دانشگاهی و آموزشی تأثیرات چندگانه مستقیم بر دیپلماسی دارند. ازاین‌رو، آن‌ها ارزشمندترین ابزارهای سیاست خارجی دولت

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

آمریکا هستند. «اقتدار بین‌المللی دانشگاه منجر به اجرای صحیح خط‌مشی‌های آموزش عالی می‌گردد». درحوزه سیاسی، آنچه به‌روشنی قابل‌درک است، تأثیرپذیری نظام‌های آمـوزش عـالی از نظام‌های سیاسی است که هر کشور با توجه به سیاست‌های کلانی که دنبال می‌کند، در پی تأثیرگذاری بر آموزش عالی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تحولات بزرگ در هر جامعه است. همچنین عرضه و انتقال علم، جدا از زمینه و ظرف فرهنگی حاکم بر جامعـه نیسـت (پایا، ۱۳۸۵). همچنین مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند «ساختار سیاسی و توزیع قدرت در مجلس به‌گونه‌ای است که عمدتاً نمایندگانی در کمیسیون آموزش عضو می‌شوند که از عضویت در کمیسیون‌های دیگر ازجمله کمسیون انرژی، بودجه، امنیت و صنعت بازمانده‌اند. ازاین‌رو نمایندگان این کمیسیون ازجمله ضعیف‌ترین نمایندگان می‌باشند و قطعاً در حمایت از وزارت عتف نیز دچار ضعف می‌باشند» برخی مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که «متنوع سازی منابع آموزش عالی، افزایش سهم آموزش عالی از بودجه عمومی و افزایش بهره‌وری منابع انسانی، همه و همه نیازمند وزرایی است که از قدرت بالای مدیریتی و سیاسی (هر دو) برخوردار بوده، به‌نحوی‌که بتوانند هم با رایزنی‌های سیاسی خود سقف بودجه را افزایش داده و هم منابع متنوع مالی دیگری را اضافه نموده و با مهارت‌های مدیریتی خود بتوانند بهره‌وری را افزایش دهد». بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها و مرور ادبیات تحقیق سایر عوامل سیاسی عبارت‌اند از: تغییر و تحولات سیاسی داخلی، تحریم، مشارکت دانشگاه به‌ویژه خصوصی در تشکلات سیاسی، تناسب اوضاع و شرایط سیاسی، فراغت دولت از دغدغه‌های سیاسی، جو مساعد شرایط بین‌الملل، دیر بازده بودن آموزش عالی و تمایل دولت‌ها به نتیجه‌های زودبازده، رابطه دولت ملت و اعتماد، رویه‌های مدیریتی باثبات و ایجاد کانون‌های تفکر.

عوامل فرهنگی: هر نظام آموزشی تحت تأثیر متن فرهنگی یک جامعه قرار می‌گیرد، زیرا نظام‌های آموزشی محصول فرهنگ‌های گوناگون هستند و به‌عنوان وسـیله الهـام و تزریق فرهنگ به کار می‌روند.(اخوی راد، ۱۳۸۸) مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقدند " ایجاد بسترهای لازم فرهنگی همچون ایجاد بحث و گفتمان جدید و همسویی خط‌مشی با هنجارها و ارزش‌های جامعه، برای اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی و تضمین کیفیت دارای اهمیت است. در اروپا و امریکای شمالی، چالش بین اقتدار دولت و کلیسا از سویی و حکمرانی دانشگاهی از سوی دیگر رخ داد. درنهایت در قرن بیستم این چالش به سود مرجعیت علم و دانشگاه فروکش کرد؛ اما چندی بعد پس از قوت گرفتن نئولیبرالیسم، دانشگاه به بازار نزدیک شد. دولت‌ها نیز سرخوش از معاف شدن از پرداخت بخشی از هزینه‌های آموزش عالی به نظارت‌های دور اکتفا کردند. در ایران معاصر اما دانشگاه بین نزدیک شدن به دولت یا نهاد دین یا بازار و صنعت مردد است. در کشورهای توسعه‌یافته سیاست‌های آشکار و مدون مبنای عمل قرار می‌گیرند اما در کشورهای درحال‌توسعه معمولاً سیاست‌های تلویحی و نانوشته بیشترین تأثیر را در سرنوشت و جهت‌گیری

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

برنامه‌ها دارند. دلیل آن روشن است. «سیاست‌گذاری در درون بافتار رخ می‌دهد و امری فرهنگی- تاریخی است». بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها و مرور ادبیات تحقیق سایر عوامل فرهنگی عبارت‌اند از: نظام ارزشی جامعه، همسویی خط‌مشی با هنجارها و ارزش‌های جامعه، تغییرات سبک زندگی، ایجاد بحث و گفتمان جدید، ایجاد آگاهی نسبت به فرصت‌های جدید، تفاوت فرهنگی میان دانشجویان و فرهنگ حاکم بر جامعه.

عوامل اجتماعی: در حوزه اجتماعی، مهم‌ترین عاملی کـه موجـب ایجـاد تغییـرات اساسـی در کارکردهـای آموزش عالی شده است، مقوله تقاضای اجتماعی برای آموزش است کـه حاصـل مجمـوع تقاضاهای افراد برای آموزش است. در حقیقت، مقوله تقاضای اجتماعی برای آمـوزش در چهارچوب تقاضا برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عـالی مطـرح اسـت کـه موجب تغییرات عمده در سیاست‌گذاری‌های آموزشی شده است.(عماد زاده، ۱۳۸۲) در سده اخیر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌عنوان یک سازمان در توسعه ملی نقش مهمی داشته‌اند. به همین اندازه مسئولیت اجتماعی دانشگاه در چند دهه اخیر با توجه به رشد تعداد دانشجویان و همگانی شدن آن و بالا رفتن انتظـار دانشـگاه در جامعـه موردتوجه برنامه ریزان آموزشی در کشورهای مختلف قرارگرفته و نظام آموزش عالی بسیاری از کشورها یک سری از فعالیت‌ها و برنامـه‌هـای شـغلی و حرفـه‌ای را در اجتمـاع دانشـگاهی گسـترش داده‌اند (GAO,۲۰۱۱ به نقل از حبیبی و همکاران، ۱۳۹۵). لذا یکی از تأثیرگذارترین سازمان‌های امروزی در کشورهای درحال‌توسعه دانشگاه‌ها و مراکز آموز عالی هستند. همچنین بارون[1] و اسکس (۲۰۰۵) و آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) یکی از مسائل مشترک دانشگاه‌ها را در سطح جهانی مسـئولیت اجتمـاعی دانسته‌اند. «دانشگاه‌ها نیرومحرکه آگاهی‌بخش و برج فرماندهی فکر جوامع، شناخته‌شده‌اند». بدین ترتیب، رسالت دانشگاه‌ها، فراسو علم و پژوهش صرف درون دانشگاهی، در جهت خدمت به جامعه سوق داده شد و نقش دانشگاه‌ها از تک نقشی و تک نهادی به چند نقشی و چند نهادی یعنی نقش آموزشی، پژوهشی، خدماتی، انتشاراتی و رشد حرفه‌ای تکامل یافته است. در وضعیت کنونی جهان که تغییرات در همه زمینه‌های علوم، فن‌آوری، اقتصاد، مدیریت و ... به‌سرعت انجام می‌شود، سازمان‌دهی فعالیت‌های علمی برای پیش‌بینی آینده ضرورتی انکارناپذیر است. در تحقیقات استراتژیک و بلندمدت که سرمایه‌گذاری‌های وسیع‌تری را می‌طلبد، آینده‌نگری باید در همه ابعاد علمی، فن‌آوری و اقتصاد صورت گیرد (آذری، ۱۳۹۱). به گفته والیما و هافمن[2] (۲۰۰۷) جامعه دانایی موقعیت جدیدی را شرح می‌دهد که دانش، اطلاعات و تولید دانش به خصیصه‌ای از روابط درون و میان جوامع، سازمان‌ها، تولیدات صنعتی و زندگی انسانی تعریف می‌شود. به نقل از زوارقی (۲۰۰۵) اصطلاح جامعه دانشی را پیتر دراکر در سال ۱۹۶۹ به کاربرد ولی این

1. Brown, P. & Scase, R
2. Välimaa and Hoffman

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

اصطلاح در دهه ۹۰ و به‌خصوص با تحقیقات مفصل پژوهشگرانی چون مانسل[1] و نیکو استر[2] بود که جایگاه خاص خود را به دست آورد. باوجوداین، اصطلاح جوامع دانشی را یونسکو با مفهومی دیگر به کاربرد و عنوان گزارش جهانی خود را در سال ۲۰۰۵ «به‌سوی جوامع دانش‌محور» نامید. جوامع دانشی در گزارش جهانی یونسکو؛ جوامعی هستند که منبعی برای توسعه انسانی و پایدار به شمار می‌روند. به‌عبارت‌دیگر یک جامعه دانش جامعه‌ای است که با تنوع و قابلیت‌هایش شکوفا می‌گردد. بسیاری از ادعاها در مورد نقش محوری آموزش عالی در خلق و انتقال دانش میانی به شکل‌گیری جامعه دانایی انجامید. برخی مشارکت‌های مؤثر به‌طور فزاینده‌ای واسطه‌های خارجی تولید دانش (گیبون[3] و همکاران، ۱۹۹۹) را با مفاهیمی چون دو نوع دانش، مفاهیم مشروع "مالکیت معنوی" و "سرمایه‌داری دانشگاهی" مفاهیمی چون" استقلال"، "آزادی آکادمیک" و "جامعه دانشگاهی" را جایگزین یا دست‌کم به چالش بکشاند. این تغییرات ممکن است تأکید بیشتر بر نقش آموزش عالی به‌عنوان عاملی در انتقال تغییر اجتماعی با حمایت دیگران و نه به‌عنوان یک مؤسس تغییر را نشان دهد. آن‌ها همچنین نشان‌دهنده تحول در تأکید از "انضباط" به "برنامه" هستند. مسائل مربوط به سازمان، بودجه، مکان و مدیریت پژوهش به وجود می‌آیند (برینان، ۲۰۰۸). بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها و مرور ادبیات تحقیق عوامل اجتماعی استخراج‌شده عبارت‌اند از: جمعیت، بهره‌گیری از ایده‌های نخبگان، مهاجرت، جامعه دانایی محور، ایجاد اشتغال و شغل جدید، جامعه انتقادی، طبقاتی شدن آموزش عالی به نفع طبقات بالای جامعه، وجود انجمن‌های حرفه‌ای علمی، جامعه عادلانه و پایدار، عدم وجود شرایط مناسب جهت مشارکت واقعی مردم در امر آموزش عالی، تناسب اوضاع و شرایط اجتماعی، ایجاد بستر تعاملی برای نقش‌آفرینان، رشد شتابان انتظارات از آموزش عالی درزمینهٔ تأمین نیازهای جامعه و بیکاری.

عوامل تکنولوژیکی: استقلال مؤسسات آموزش عالی اغلب آمیزه‌ای از حقوق موروثی، سنت، اهداف قانون‌گذار و فرهنگ اجتماعی است و در طول زمان از طریق انواع فرایندهای قانونی، تصمیم‌گیری‌های اداری و مقررات خاص به دست می‌آید و به‌ندرت ساختاری دقیق برای یک طرح منطقی است. همچنین، این استقلال یک فرهنگ خاص، حق یا قدرت است، به‌طوری‌که ویژگی‌های استقلال دانشگاه‌های یک کشور را نمی‌توان برای کشور دیگر در نظر گرفت (فیلدن[4]،۲۰۰۸:۱۸). مرور ادبیات تحقیق همچون اشبی[5] اعتقاد دارد که استقلال دانشگاهی از دو مؤلفه آزادی علمی[6] و استقلال نهادی[1] تشکیل می‌شود. آزادی علمی به توانایی فردی محقق در پیگیری امر

1. Robin Mansell
2. Nico Stehr
3.Gibbons, Limoges
4.Fielden
5.Ashby
6.Academic Freedom

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

تعلیم و تحقیق بدون ترس از تنبیه یا از دست دادن شغل دلالت می‌کند و استقلال نهادی به وضعیت خودگردانی گروه‌های محقق در داخل دانشگاه مربوط می‌شود. (اشبی، ۱۹۶۶:۲۹۰) در حقیقت استقلال دانشگاهی را تلفیقی از استقلال فردی و سازمانی می‌دانند. ایسترمن و استینل[2] ابعاد استقلال دانشگاه‌ها را ٤ بعد استقلال علمی، مالی، سازمانی و استقلال در تأمین نیرو تعیین کرده‌اند.(ایسترمن و استینل، ۲۰۱۱). لازم به ذکر است برخی مشارکت‌کنندگان معتقدند که «دادن قدرت تصمیم‌گیری به مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و بعضاً دولتی و پس گرفتن آن به‌دفعات به روش‌های مختلف، دادن اختیارات به هیئت‌امنا، هیئت ممیزه و شورای برنامه‌ریزی آموزشی و درسی تعدادی از دانشگاه‌ها ولی اعمال قدرت و کنترل در آن، دادن اختیاراتی در زمینه نحوه پذیرش دانشجو که با تغییرات متعددی همراه بوده و موارد متعدد دیگر در امور آموزشی، پژوهشی و فناوری، فرهنگی- دانشجویی، اداری و مالی و اقتصادی دانشگاه‌ها همگی نشانگر چالش مدیریت و حکمرانی نظام اداری ایران و به‌ویژه دولت‌ها با استقلال دانشگاه بوده و هست» چالش استقلال دانشگاه‌ها که نوعی دخالت آمرانه و امرونهی در امور دانشگاه‌هاست به‌صورت غیرمستقیم بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی متأثر بوده است و در برخی خط‌مشی‌های آموزش عالی وجود اختلاف میان مجریان و مدیران ارشد و هیئت‌امناهای دانشگاه‌ها نمایان است. «اگر به دانشگاه استقلال داده شود محدود گرایی پدید می‌آید و فقط عده خاصی وارد دانشگاه می‌شوند» برخی مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که «دادن اختیارات به هیئت‌های امنا بر اساس قانون برنامه چهارم (مفاد ماده ٤٩) و ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم ضروری است. بر این اساس، دانشگاه‌ها باید همه امور تشکیلاتی، اداری و مالی خود را برنامه‌ریزی کنند و مصوبات آن را هم اجرا نمایند. وزارت علوم اختیاراتی که از دانشگاه‌ها گرفته‌شده را برمی‌گرداند. برنامه ما (وزارت عتف) این است که هیئت‌های امنا را به‌عنوان مرجع امور قرار دهیم و سعی کنیم دانشگاه را به یک دانشگاه پاسخگو تبدیل کنیم». در خصوص سایر عوامل تکنولوژیکی خبرگان معتقد بودند که «ظهور جامعه شبکه‌ای و سازمان‌های مجازی، دگرگونی‌های عمیق ساختاری و تغییر شرایط اجتماعی، دانشگاه‌ها را در معرض تغییرات ناشی از پیشرفت‌های علم و فناوری و نیز تحولات پیرامونی آن نظیر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی قرار داده و آن‌ها را با چالش‌های نحوه مواجهه با محیط به‌شدت متحول، متنوع، رقابتی، پیچیده و آشوبناکی در مقیاس وسیع جهانی روبه‌رو ساخته است؛ که این موارد به‌صورت غیرمستقیم بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی تأثیرگذار است.» چالش‌های جدید و محیط در حال تغییر، موضوع توجه به برنامه‌ریزی، تفکر برنامه‌ریزی و توسعه و مدیریت آموزش عالی را نیز بیش‌ازپیش مورد تأکید قرار داده است. مرور ادبیات تحقیق نشان‌دهنده این است که «استراتژی‌های دانشگاه‌ها در مورد این چالش‌ها و

1.Institutional Autonomy
2.Estermann, Nokkala & Steinel

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

پاسخگویی به تقاضاهایی مانند تقاضای اجتماعی، جهانی‌شدن، تقاضا به شایستگی و متناسب بودن دانشگاه‌ها و نگرانی در مورد کیفیت دانشگاه و برنامه‌ها متفاوت بوده است» (یمنی، ۱۳۸۲). از زمانی که موضوعاتی مانند رضایت مشتریان و بازار محصولات دانشگاهی به حوزه علوم دانشگاهی پای نهاد، علم نیز به‌عنوان خدمت یا محصولی دانشگاهی وارد ادبیات بازاریابی شد. (پلوا و کوئستر[1]، ۲۰۰۵؛ نووتنی[2]،۲۰۰۶ و بروک[3]، ۲۰۰۵) درواقع تجاری‌سازی، فرهنگ تحقیق و نظریه‌پردازی را دستخوش تغییر خواهد کرد. (جاکوب[4] ۲۰۰۵) بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها و مرور ادبیات تحقیق عوامل تکنولوژیکی استخراج‌شده عبارت‌اند از: استقلال دانشگاهی، تجاری‌سازی نتایج تحقیقات در دانشگاه، انتقال فناوری، تولید دانش جدید منطبق با تغییر و تحولات محیطی و تکنولوژیکی، تناسب و وضعیت فناوری‌های جدید، دشواری‌های فنی و پیچیدگی خط‌مشی، رسانه‌های جمعی، جهانی‌شدن، قدرت تعامل با بخش‌های مختلف، گسترش پیوندهای صنعت و دانشگاه، ظهور تکنولوژی جدید، تغییرات رو به گسترش فن‌آوری، مدیریت کارآمد اطلاعات، گسترش آموزش مجازی در آموزش عالی، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات

عوامل قانونی: با نگاه به روند اسناد بالادستی در طی سال‌ها استنباط می‌گردد که علاوه بر توجه مستمر به مبحث کیفیت از برنامه سوم توسعه تاکنون، این توجه در هر برنامه و سند متفاوت بوده و یک فرایند پیش‌رونده و رو به بهبود را نداشته است و بیان آن با تجارب و دانش دست‌اندرکاران تهیه برنامه مرتبط بوده است و چالش‌برانگیزتر از آن عدم برنامه محوری و پاسخگویی در قبال میزان اجرایی شدن سیاست‌های این برنامه‌هاست. یکی از بخش‌های مهم مورد تأکید در سند چشم‌انداز در افق ۱٤۰٤ ابلاغی مقام معظم رهبری، حوزه علوم، تحقیقات و فناوری است. برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش معتقد بودند که «در باشگاه‌های ورزشی، مسئله حق رشد امری کاملاً شناخته‌شده و مرسوم می‌باشد، لکن در حوزه آموزش عالی این مسئله هنوز مطرح نگردیده است. چنانچه مدارس و دانشگاه‌ها ارتباط تنگاتنگ بیشتری با یکدیگر و هر دو با بازار کار داشته باشند، خودبه‌خود این نوع ارتباطات منجر به افزایش تعامل و امکان بورس کردن دانش‌آموختگان توسط بازار کار و یا پرداخت حق اجازه استفاده از توانایی‌های افراد توسط این بازارها می‌باشد که عنوان «حق رشد» را به خود اختصاص داده است، استفاده از امتیاز حق رشد به‌صورت غیرمستقیم و از طریق تأثیر گذاشتن بر بودجه و بازار کار موجب اجرای موفق خط‌مشی‌های آموزش عالی می‌گردد» مرور ادبیات پژوهشی در زمینه حکمرانی آموزش عالی ایران در بعد از انقلاب اسلامی، نشانگر آن است که در طی برنامه اول توسعه جهت‌گیری الگوی حکمرانی به‌سوی دولت‌گرا، در برنامه دوم توسعه ترکیبی از الگوی

1.Plewa & P. Quester
2.Nowotny
3.Brookes
4.Merle. Jacob

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

دولت‌گرا و بازار محور، در برنامه سوم توسعه ترکیبی از دولت‌گرا، بازار محور و هومبولتی، در برنامه چهارم توسعه به سمت الگوی هومبولتی، در برنامک پنجم به سمت ترکیبی از هر سه الگو با محوریت الگوی هومبولتی بوده است (فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۳). بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها و مرور ادبیات تحقیق عوامل تکنولوژیکی استخراج‌شده عبارت‌اند از: مجامع حکمرانی و سیاست‌گذاری عتف، ارتباط با اسناد بالادستی، ارتباط بخش با فرا بخش، ادغام وزارت خانه آمورش و عتف و بهداشت، هم‌افزایی نهادی بین مجامع سیاست‌گذاری عتف، عدم ارتباط مستقیم دانشگاه‌ها و بازار کار، جهت استفاده از امتیاز حق رشد

رتبه‌بندی عوامل زمینه‌ساز اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی

بر اساس ٦ عامل زمینه‌ساز استخراج‌شده به طراحی پرسشنامه تحلیل سلسله مراتبی پرداخته شد پرسشنامه تحلیل سلسه‌مراتبی را میان ۵۰ نفر از کارشناسان وزارت علوم، اعضا هیئت‌علمی مؤسسات پژوهشی زیرمجموعه وزارت علوم، اعضا هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران آموزش عالی و توزیع گردیده است. نتایج رتبه‌بندی با استفاده از نرم‌افزار Expert choice محاسبه گردید، نتایج نشان‌دهنده این است که اولویت‌بندی عوامل زمینه‌ساز به ترتیب: عوامل قانونی، سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشند. لازم به ذکر است در رتبه‌بندی سلسله مراتبی اگر نرخ ناسازگاری، کوچک‌تر یا مساوی ۰/۱۰ باشد ((IR≤./10، در مقایسات زوجی، سازگاری وجود دارد و مقایسه زوجی صورت گرفته مورد تائید می‌باشد در این پژوهش این نرخ برابر با ۰,۰۸۹ محاسبه گردیده است. در جدول ذیل نرخ ناسازگاری و شاخص ناسازگاری و λ max محاسبه شده است.

(جدول ۳) نرخ و شاخص ناسازگاری

λ max	شاخص ناسازگاری =(λ max- n(/(n-1)	نرخ ناسازگاری= II/IIR
6.553323521	0.110664704	0.089245729

عوامل مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی

یافته‌های حاصل از مصاحبه با نخبگان در خصوص عوامل مؤثر، اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی منجر به استخراج هشت عامل گردید این عوامل عبارت‌اند از: عوامل پشتیبانی (سخت‌افزار)، عوامل حمایتی (نرم‌افزار)، عوامل مربوط به نهادهای اجرایی، تجارب و مهارت‌های مجری (فردی)، عوامل اداری، ساختاری و بوروکراتیک، عوامل محیطی و جغرافیا، عوامل مربوط به تدوین خط‌مشی، انتخاب ابزار مناسب اجرای خط‌مشی که به‌صورت مستقیم بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی تأثیرگذار بوده‌اند. در ادامه به تشریح اجمالی این عوامل پرداخته می‌شود.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

عوامل پشتیبانی (سخت‌افزار): عوامل پشتیبانی مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی به مواردی اشاره دارد که قابل ملموس هستند و جز عوامل سخت‌افزاری سازمان می‌باشد. این عوامل به ۵ دسته: پشتیبانی مالی، تجهیزات و منابع اداری، سرمایه انسانی، توانایی پردازش اطلاعات، زمان کافی برای اجرا تقسیم‌بندی گردیده‌اند. نظریه سرمایه انسانی، مدعی توضیح سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به‌عنوان کارکردی از تلاش اساسی انسان به‌منظور امنیت اجتماعی و توانگری است، زیرا به‌طورکلی، فرض شده که آموزش عالی در طول زمان منجر به درآمد اقتصادی بیش‌تر می‌شود. این نظریه همچنین فرض می‌کند که در اقتصاد بازار، اختلاف در به دست آوردن درآمد، انعکاسی از اختلاف در بهره‌وری است. بازار کار ازیک‌طرف به مهارت‌ها و توانایی‌های افراد اشاره دارد که آماده فروش برای یک مزد معین هستند و از طرف دیگر بیانگر تقاضاهایی است که کارفرمایان برای انواع خاص بازار دارند. در یک بازار کار صحیح، مزدهای بازار کار به‌طور دقیق، مهارت‌های مردم را انعکاس می‌دهند (هوگز و لودر[1]، ۱۹۹۱). بلوکلند[2] (۲۰۱۶) یادآوری می‌کند که گسترش توانمندی‌ها در آموزش عالی بر پیش انگاره‌های نگره‌ٔ سرمایه انسانی پایه‌گذاری شده است؛ ولی نمود اقتصاد بر پایه توانایی و بایستگی‌های اجتماعی- اقتصادی و گرایش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای حرکت در راستای جامعه دانش‌محور، نیازمند آن است که به مفهوم سرمایه اجتماعی نیز برای تحلیل روند شکل‌گیری توانمندی‌های پایه و توسعه آموزش عالی و محتوای آن نگریسته شود. سرمایه اجتماعی در دانشگاه، تنها در بهبود کیفی و کمی پژوهش‌ها که در یادگیری دانشجویان و آموزش نیز مؤثر است. به اعتقاد خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش «عوامل مالی و بودجه تخصیصی جهت اجرای خط‌مشی‌ها و همچنین وجود نیروی انسانی ثابت و باتجربه، وجود شبکه‌های اطلاعاتی و به‌روز می‌توانند در اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی موفقیت‌آمیز باشند». چالش منابع مالی و نیروی انسانی متخصص که بر اجرای خط‌مشی مؤثر بوده است توسط محققانی همچون: ساباتیر[3] (۱۹۸۰)، هاگود[4] (۱۹۸٤)، مختاریان (۱۳۹۲) و اعرابی (۱۳۹۲) نیز تائید گردیده است.

عوامل حمایتی (نرم‌افزار): عوامل حمایتی اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی به مواردی اشاره دارد که ناملموس و قسمت نرم‌افزاری سازمان می‌باشد که به‌صورت مستقیم بر اجرای خط‌مشی آموزش عالی تأثیرگذار بوده است این عوامل در ۱۰ دسته کلی شامل: تنظیم مقررات تسریع‌کننده، استفاده از ابزار اجباری و تشویقی، ثبات و استمرار در رهبری خط‌مشی، جو همدلی و همکاری در سازمان‌های مجری، حمایت از سویه قانون‌گذاران و مقامات عالی، حمایت اسناد و قوانین بالادست، رهبری، حمایت و مشارکت ذی‌نفعان و مجریان و ائتلاف‌های بیرونی، وجود

1. Hughes and Lauder
2. Blokland
3.Sabatier, P. & Mazmanian, D
4.Hogwood, B. and Gunn, L

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

احساس مسئولیت و تعهد در مجریان، نگرش و تلقی مجریان در عمل پذیری خط‌مشی دسته‌بندی‌شده‌اند. به اعتقاد رومن[1] (۲۰۱۵) کسانی که معتقدند آن‌ها از صلاحیت مدیریتی (توانایی هدایت یک حوزه خاص تأثیرگذار و فضای لازم برای اتخاذ اقداماتی که ارزش‌های خاصی را منعکس می‌کند)، معناداری برخوردار هستند، تمایل بیشتری برای مشارکت در خط‌مشی گذاری دارند، همچنین معتقد است بین انتظارات درونی و تمایل شخصی مدیران برای مشارکت در خط‌مشی گذاری رابطه معناداری وجود دارد. کارشناسانی که از خود می‌خواهند در این فرایند شرکت کنند، به‌احتمال بیشتر اعلام می‌کنند که دنبال چنین فرصتی هستند. به اعتقاد خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش «حمایت و مشارکت ذی‌نفعان و مجریان و ائتلاف‌های بیرونی بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی تأثیرگذار بوده است» مرور ادبیات تحقیق ساباتیر (۱۹۸۰) و اعرابی(۱۳۹۲) نیز اعمال‌نفوذ گروه‌های مختلف بر اجرای خط‌مشی دانسته‌اند.

عوامل مربوط به نهادهای اجرایی: گایل، تواری و وایت[2] (۲۰۰۳) بیان می‌کنند کالج‌ها و دانشگاه‌ها درواقع سازمان‌های پیچیده‌ای با رسالت‌ها و ساختارهای اجرایی هستند که باید علائق افراد ذی‌نفع گوناگونی را برآورده سازند. تفاوت اساسی در مدیریت و رهبری یک کالج در مقایسه با یک شرکت یا سایر سازمان‌ها، وجود نحوه اداره مشترک است (بیرنبائوم و اکل[3]، ۲۰۰۵). مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که مفهوم شبکه‌های سیاستی کمک می‌کند به فراهم آوردن نگرشی کامل‌تر از تمام بازیگران در حوزه بازسازی مؤسسات آموزش‌عالی (دانشجویان، مدیران، مأمورین وزارتخانه‌ها، سازمان‌های خارجی و غیره)، نه‌فقط کسانی که در ساختار قانونی و اجباری هستند (جانسون[4] و هوبا[5]،۲۰۱۵). برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز معتقدند که "در نهادگرایی جدید تکیه بر مفهوم ارتباطات و روش تنظیم آن زمینه‌ای است برای گذار از مفهوم رسمی نهاد (به‌مثابه سازمان) به مفهوم شبکه‌های ارتباطی است، همچنین این امر زمینه را فراهم می‌کند تا در سیاست‌گذاری به نقش قواعد و هنجارهای غیررسمی یا غیرملموس در تعیین سیاست‌ها توجه نماییم." به دلیل آنکه شبکه‌ها مبنایی برای دانش و تجارب مشترک فراهم کرده و جهت‌گیری هنجاری دارند، هزینه‌های تعامل در شرایط تصمیم‌گیری پیچیده را کاهش می‌دهند. علاوه بر این، شبکه‌ها با ارتقای تبادل چندجانبه اطلاعات، عدم امنیت را تنزل می‌دهند. شبکه‌سازی آموزش عالی تأثیر مستقیم بر اجرای خط‌مشی‌های

1.Roman
2. Gayle ،Tewarie & White
3. Birnbaum & Eckel
4.Johnson
5.Hoba

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

آموزش عالی دارد. چارلز جونز[1] (۲۰۰۵: ۱۷۹) بیان می‌دارد؛ فرآیند خط‌مشی به‌طور اساسی بر روی ارتباطات و کلمات و معنای آن‌ها وابسته است، تفسیر (تعیین منظور خط‌مشی گذار) برای فهم این‌که در مرحله خط‌مشی چه اقدامی صورت می‌گیرد، بسیار حیاتی است. به اعتقاد خبرگان « نحو تفسیر و تعبیر مجریان از خط‌مشی گذاری به‌صورت مستقیم بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی تأثیرگذار است.»

تجارب و مهارت‌های مجری (فردی): به قول دراکر «مدیران اکنون باید ناپیوستگی‌ها را مدیریت کنند». تغییر در مدیریتی که تغییر را باید اداره کند. بدین‌جهت برای نظم بخشیدن یا صورت‌بندی آشفتگی یک سیستم مانند دانشگاه، اولین قدم، شناخت و درک سیستم، نحوه کارکرد و تعامل آن‌ها و طی مسیر برنامه‌ریزی و توسعه به‌منظور بهبود و افزایش توانایی سیستم و سازگاری سریع و اثربخش آن با تدوین چشم‌انداز و برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت است و مهم‌تر از آن آنچه اهمیت می‌یابد «تفکر برنامه‌ریزی» در «توسعه دانشگاهی» است که پویایی ارتباط گذشته، حال و آینده موقعیت‌های دانشگاهی را موردتوجه قرار می‌دهد. به اعتقاد خبرگان «نگرش مثبت مجریان به اجرای خط‌مشی و تعهد و انگیزه بالای مجری در اجرای موفق خط‌مشی آموزش عالی را تضمین می‌کند» مرور ادبیات پژوهش اسبرات[2] (۲۰۰۹) نیز تعهد و انگیزه مجریان را بر اجرای خط‌مشی مؤثر می‌دانند.

عوامل اداری، ساختاری و بوروکراتیک: بوروکراسی‌ها اگرچه در برخی مواقع باعث زحمت و دردسر هستند، اما همراه ضروری سازمان‌های دولتی هستند. وقتی یک‌نهاد و مسئولیت‌هایش پیچیده می‌شوند، به‌ضرورت، بوروکراسی ایجاد می‌شود تا بتواند اهداف تعیین‌شده توسط دولت را محقق کند. اگرچه بوروکراسی‌ها به‌طور عمده به‌عنوان سازمان‌های مجری خط‌مشی به وجود آمده‌اند اما آن‌ها اغلب نقش‌های خط‌مشی گذاری ایفا می‌نمایند. در جوامع بسیار پیچیده‌ای از سازمان‌های بوروکراتیک خواسته می‌شود علاوه بر تفسیر یک خط‌مشی به برنامه‌های محکم و اجرای آن برنامه‌ها، راه‌حل‌های جایگزین یک مسئله را نیز توضیح دهند (استیون[3]، ۱۹٦۸: ١٦٤). کارکرد بوروکراسی تنها به‌عنوان اجرای قانون دیده می‌شود (وبر[4]، ۱۹٦۲: ١٩٦-٢٤٤). برخی مشارکت‌کنندگان معتقدند که «اجرای افقی، تعداد بازیگران را کاهش می‌دهد و به همین جهت هماهنگی راحت‌تر و ساده‌تر خواهد بود». به اعتقاد خبرگان، اجرای افقی منجر به: افزایش انگیزه نیروی انسانی، انتقال تجربیات، خلق دانش، اعتمادسازی در اداره و حکمرانی عمومی، به‌کارگیری مناسب منابع مالی و مدیریت کارآمد می‌گردد.. در این وضعیت، بخش‌ها، نمایندگی‌ها و یا هر

1.Charles Jones
2.Spratt
3.Steven
4.Weber

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

تقسیم‌بندی دیگر مانند استان‌ها و یا مناطق به‌طور یکسان ملزم به اجرای قانون بوده و همکاری و یا هماهنگی بین آن‌ها تعریف‌نشده است و ضرورتی برای هماهنگی واحدهای مستقل نیز وجود ندارد. سازمان‌های مجری، به‌طور یکسان گزارش اجرای خود را به مرکز گزارش می‌دهند. به اعتقاد خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش «اجرای موفق بستگی به‌سادگی دارد و سادگی بستگی به اقتدار و مسئولیت‌های اداری دارد که بین حداقل ممکن از سازمان‌ها مشترک باشد بنابراین اگر خط‌مشی با مشخص بودن دستورالعمل‌های شفاف تدوین گردد تضمینی برای اجرای موفق آن است.»

عوامل محیطی و جغرافیا: در حوزه آمایش، آموزش عالی با تغییری اساسی روبه‌روست بدین معنی که عدالت به‌منزله این حقیقت که همه افراد جامعه با قرار داشتن در هر منطقه جغرافیایی باید از همه رشته‌های تحصیلی دانشگاهی بدون توجه به شرایط منطقه‌ای بهره‌مند شوند، نیست؛ بلکه در تأسیس و راه‌اندازی مقاطع تحصیلی باید نیازها، فرصت‌ها، تهدیدها و امکانات هر منطقه مدنظر قرار گیرد و با توجه به این عوامل، آموزش عالی در آن منطقه توسعه و گسترش پیدا کند. به اعتقاد خبرگان «آمایش طی زمان رویکرد هزینه و فایده را به‌عنوان راهنمای عمل خویش در مورد آموزش عالی اتخاذ و سعی کرده مشکلات آموزش عالی، مانند بیکاری دانش‌آموختگان را از این راه سامان ببخشد و راه‌حلی برای آن ارائه دهد»، سیاست‌گذاری آمایش سرزمین به‌عنوان راهنما و نقشه‌ی راه روشن برای برنامه‌ریزی در بخش آموزش عالی، می‌تواند هدایت‌کننده‌ی نظام‌های آموزش عالی به‌صورت منظم، پایدار، مبتنی بر نیاز و مزیت‌های ملی و منطقه‌ای باشد. یکی از سیاست‌های هوشمندانه تصریح‌شده در نقشه جامع علم و فناوری کشور، «رصد دائمی ظرفیت‌های محیطی و اقتضائات اجتماعی و تنظیم ظرفیت دانشگاه‌ها در مقاطع و حوزه‌های مختلف علمی متناسب با رتبه علمی آن‌ها و نیازهای حال و آینده بر اساس اصول و ملاحظات آمایش سرزمین» اعلام شده است.[1] بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ آموزش‌عالی، کشورمان باید سرآمد، رقابت‌پذیر، دارای هویت ایرانی، اسلامی و پیشتاز در منطقه جنوب غربی آسیا باشد؛ بنابراین آموزش‌عالی باید در راستای اهداف و برنامه‌های خود، به جایگاه مورد انتظار در منطقه برسد. این مهم جز از مسیر آمایش سرزمین و ماموریت‌گرایی در آموزش‌عالی، محقق نمی‌شود. به اعتقاد برخی خبرگان «آموزش عالی با انبوهی از متقاضیان روبه‌روست و از سویی دیگر، هر فرد بر اساس فکر و ایده خویش، تحصیل در آموزش عالی را انتخاب می‌کند. درنتیجه، محدود کردن مقوله آمایش به مباحث اقتصادی جای کمی تأمل دارد» برخی نیز معتقدند که «آمایش آموزش عالی نسبت به توسعه علم کمی غفلت کرده است.»

1.Council of Cultural Revolution. Comprehensive map of science and technology. Pub Sup Cou Cul Rev,Tehran.2011. [Persian]

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

عوامل مربوط به تدوین خط‌مشی: به اعتقاد خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش "باید در زمان تدوین خط‌مشی چگونگی تبدیل اهداف و رسالت‌های جامع در حوزه آموزش عالی به اهداف و مأموریت‌های عملیاتی در دانشگاه‌ها و سایر نهادهای اجرایی و تعیین نقش و جایگاه هر دانشگاه و اداره در برنامه مشخص‌شده با اهداف عینی قابل‌اندازه‌گیری به‌صورت شفاف مشخص گردد در این صورت منجر به اجرای درست خط‌مشی می‌گردد مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که «گذر به جوامع پایدار متضمن تغییر خط‌مشی‌ها و اتخاذ یک دیدگاه نظام‌مندتر است و این دیدگاه گسترده با انسجام خط‌مشی گره خورده است» (هاتنین و همکاران[1] ۲۰۱٤) دستیابی به انسجام خط‌مشی دشوار است و اندیشمندان سیاسی بر عدم انسجام به‌مثابه رخدادی معمول و گاهاً اجتناب‌ناپذیر اذعان دارند (ناتال[2]،۲۰۰۵)؛ و میزانی از عدم انسجام را در یک جامعه کثرت‌گرا می‌پذیرند (کاربون[3]، ۲۰۰۸). به اعتقاد خبرگان «عدم هماهنگی و تناقض میان خط‌مشی‌های در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری در مرحله تدوین باید موردبررسی قرار گیرد و ساختار شبکه‌ای بین تدوین، اجرا و ارزیابی در نظر گرفته شود» مرور ادبیات تحقیق نشان‌دهنده این است که انسجام به این معناست که اهداف، ابزارها و سایر علائم مرتبط با خط‌مشی با یکدیگر سازگار باشند (مای و همکاران[4]، ۲۰۰٦)؛ و این سازگاری باید بین قلمروهای خط‌مشی نیز وجود داشته باشد. به اعتقاد خبرگان «هم‌افزایی نهادی در سیاست‌های علم و آموزش عالی ایران ضعیف و شکننده است». نظام سیاست‌گذاری علم و آموزش عالی فاقد نگاشت نهادی مدون است. تقسیم وظایف در یک فرآیند تدریجی و بدون برنامه مانند یک جنگل خودرو شکل گرفته است. به تعبیر متخصصان فناوری اطلاعات، سیستم جزیره‌ای شده است و این جزایر مجزا و بی‌ارتباط باهم دیالوگ و همفکری و تعامل ندارند. حتی نازل‌ترین سطح تعامل که تبادل اطلاعات است بین آن‌ها وجود ندارد. این نهادها عبارت‌اند از: شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت علوم و وزارت بهداشت، مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، شورای گسترش، شورای عالی برنامه‌ریزی و ... (صالحی ۱۳۹۰). گل دار و همکاران (۱۳۹٦) با استخراج ابعاد پنج‌گانه؛ عوامل زمینه‌ای؛ عوامل تسهیل گر و بازدارنده؛ شناسایی و مواجهه با مسئله عمومی؛ درگیر سازی ذینفعان در خط‌مشی گذاری عمومی؛ و وضع خط‌مشی‌های مطلوب و سایر مؤلفه‌های به طراحی چارچوب مفهومی درگیر سازی ذینفعان در خط‌مشی گذاری عمومی پرداختند. به اعتقاد خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش «این گفته می‌شود که خط‌مشی خوب است، اما در

1.Huttunen et al
2.Nuttall
3.Carbone
4.May et al

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

عمل خوب اجرا نمی‌شود چندان منطقی نیست، زیرا اگر سیاست‌گذاری در تدوین خط‌مشی‌ها تنگناهای اجرا را ندیده و خط‌مشی را در فضای انتزاعی و تخیلی اتخاذ کرده باشند، این دلیلی بر ضعف خط‌مشی گذاری است نه ضعف در اجرا به اعتقاد خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش توجه به منافع گروه‌های ذی‌نفع اجرای خط‌مشی گذاری در زمان تدوین می‌تواند اجرای صحیح خط‌مشی را تضمین کند».

انتخاب ابزار مناسب اجرای خط‌مشی: بر اساس نظر کریستوفر[1] هود انتخاب ابزار تحت تأثیر محدودیت منابع، فشارهای سیاسی، ملاحظات قانونی و تجربه‌اندوزی از شکست ابزارهای گذشته شکل می‌گیرد. او اعتقاد دارد اگر گروه‌های اجتماعی، وسیع و سازمان یافته باشند، دولت‌ها از ابزارهای ترغیبی استفاده خواهند کرد زیرا هر چه گروه اثرپذیرنده بزرگ‌تر باشد، احتمال آنکه دولت‌ها از ابزار انفعالی، داوطلبانه و نه ابزار فعال (اجباری) استفاده کنند بیشتر خواهد بود؛ بنابراین ازنظر هود انتخاب ابزار، تابع طبیعت اهداف دولت، منابع و نیز سازمان و ظرفیت عوامل اجتماعی است. خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش معتقدند که «جهت اجرای موفق خط‌مشی باید به بررسی و انتخاب مناسب‌ترین ابزار اجرای خط‌مشی در آموزش عالی متناسب با اهداف آن خط‌مشی اقدام گردد.»

رتبه‌بندی عوامل مؤثر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی

بر اساس ۸ عامل مؤثر استخراج‌شده به طراحی پرسشنامه تحلیل سلسله مراتبی پرداخته شد و بین ۷۰ نفر از اعضا هیئت‌علمی دانشگاه‌های کشور توزیع گردید که درنهایت ۵۰ پرسشنامه مورد تائید قرار گرفتند و رتبه‌بندی بر آن اساس صورت گرفته است. در خصوص جامعه آماری باید توجه داشت که به دلیل اینکه پرسشنامه طراحی‌شده تخصصی می‌باشد نتایج رتبه‌بندی با استفاده از نرم‌افزار Expert choice محاسبه گردید نتایج نشان‌دهنده این است اولویت‌بندی عوامل زمینه‌ساز به ترتیب: عوامل مربوط به تدوین خط‌مشی، عوامل اداری، ساختاری و بوروکراتیک، عوامل حمایتی، عوامل مربوط به نهادهای اجرایی، تجارب و مهارت‌های مجری، عوامل پشتیبانی ، انتخاب ابزار مناسب اجرای خط‌مشی، عوامل محیطی و جغرافیا.

لازم به ذکر است در رتبه‌بندی سلسله مراتبی اگر نرخ ناسازگاری، کوچک‌تر یا مساوی ۰/۱۰ باشد ((IR≤./10، در مقایسات زوجی، سازگاری وجود دارد و مقایسه زوجی صورت گرفته مورد تائید می‌باشد در این پژوهش این نرخ برابر با ۰,۰۹۸ محاسبه گردیده است. در جدول ذیل نرخ ناسازگاری و شاخص ناسازگاری و λ max محاسبه‌شده است.

1.Christopher

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

(جدول ٥) نرخ و شاخص ناسازگاری

نرخ ناسازگاری= II/IIR	شاخص ناسازگاری =(λ max- n)/(n-1)	λ max
0.098003067	0.148964662	9.042752633

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد تا به بررسی عوامل مؤثر و عوامل زمینه‌ساز اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی در کشور پرداخته شود. این پژوهش در دو مرحله کلی انجام شد که در مرحله اولیه از افراد صاحب‌نظر خواسته شده است تا در مصاحبه عمیق و کیفی شرکت کنند و به بررسی موضوع بپردازند. جامعه آماری در این مرحله کیفی، شامل خبرگان تحصیل‌کرده با شرط داشتن مدرک دکتری مدیریت (با تخصص خط‌مشی گذاری) یا مدارک پایین‌تر و غیر مرتبط درصورتی‌که حداقل ۱۰ سال سابقه خط‌مشی گذاری در آموزش عالی دارا باشند و یا جز مدیران ارشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باشد؛ که به سؤالات مصاحبه از قبیل عوامل زمینه‌ساز و مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی کشور را در چه می‌دانید؟ پاسخ دادند؛ که در تحقیق کنونی با ۱۳ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد؛ در مرحله دوم با طراحی پرسشنامه تحلیل سلسله مراتبی به اولویت‌بندی مفاهیم اصلی پرداخته شد. همان‌طور که ذکر شد حوزه علوم، تحقیقات و فناوری یکی از بخش‌های مهم در توسعه کشور است و کارکرد این حوزه در توسعه از طریق تدوین خط‌مشی‌های مناسب میسر می‌شود و کشورها در دنیای امروز از طریق خط‌مشی‌های حوزه علوم، تحقیقات و فناوری موفقیت خود را تضمین می‌کنند با تدوین خط‌مشی مناسب در این حوزه می‌توان به فعالیت سایر حوزه‌ها وجهه علمی بخشید و نیروی انسانی شایسته و فناوری موردنیاز آن‌ها را نیز تأمین کرد؛ به همین سبب قلمرو مذکور برای رشد و بالندگی کشور حائز اهمیت است و در اسناد بالادستی نظیر برنامه‌های توسعه و خط‌مشی‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری نیز بر این مهم تأکید شده است. تاکنون برخی از خط‌مشی‌های تدوین‌شده، پس از تصویب در مرحله اجرا با ناکامی مواجه شده‌اند و مجریان، بسیاری از آن‌ها را به‌طور ناقص اجرا کرده‌اند و خط‌مشی گذاری عمومی آموزش عالی ایران همواره مناقشه آمیز و بحث‌انگیز بوده است. اجرای موفق خط‌مشی‌های آموزش عالی درگرو شناسایی عوامل مؤثر و بسترساز بوده که عمده عوامل و مؤلفه‌های آن در تحقیق حاضر موردبررسی و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عوامل بسترساز اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی کشور شامل ٦ مفهوم اصلی در قالب ٦٠ مقوله فرعی است که این مفاهیم اصلی به ترتیب بر اساس تحلیل سلسله مراتبی عبارت‌اند از: عوامل قانونی، سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی دسته‌بندی‌شده‌اند. همان‌طور که استخراج گردید. این عوامل قانونی که نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارای اهمیت بیشتری می‌باشد عبارت‌اند از: مجامع حکمرانی و

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

سیاست‌گذاری عتف، ارتباط با اسناد بالادستی، ارتباط بخش با فرا بخش، هم‌افزایی نهادی بین مجامع سیاست‌گذاری عتف، عدم ارتباط مستقیم دانشگاه‌ها و بازار کار جهت استفاده از امتیاز حق رشد. عوامل سیاسی شامل: تغییر و تحولات سیاسی داخلی، عدم تخصص وزرا، تحریم، مشارکت دانشگاه به‌ویژه خصوصی در تشکلات سیاسی، تناسب اوضاع و شرایط سیاسی، فراغت دولت از دغدغه‌های سیاسی، ضعف کمیسیون آموزش مجلس، نقش دانشگاه در اقتدار بین‌المللی، جو مساعد شرایط بین‌الملل، دیر بازده بودن آموزش عالی و تمایل دولت‌ها به نتیجه‌های زودبازده، رابطه دولت ملت و اعتماد، ایجاد کانون‌های تفکر، رویه‌های مدیریتی باثبات استخراج گردید. عوامل اقتصادی شامل: بودجه دولت، بودجه عتف، اقتصاد مقاومتی و تناسب اوضاع و شرایط اقتصادی می‌باشد؛ بنابراین جهت اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی تخصیص بودجه‌ای با توجه به شرایط اقتصادی کشور می‌تواند منجر به اجرای بهتر خط‌مشی‌ها گردد.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عوامل مؤثر که شامل عواملی است که به‌صورت مستقیم بر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی تأثیرگذار بوده است. در قالب ۸ مفهوم اصلی و ۹۰ مقوله فرعی طبقه‌بندی می‌شود. مفاهیم اصلی به ترتیب بر اساس تحلیل سلسله مراتبی عبارت‌اند از: عوامل مربوط به تدوین خط‌مشی، عوامل اداری، ساختاری و بوروکراتیک، عوامل حمایتی، عوامل مربوط به نهادهای اجرایی، تجارب و مهارت‌های مجری، عوامل پشتیبانی، انتخاب ابزار مناسب اجرای خط‌مشی، عوامل محیطی و جغرافیا است. ازآنجایی‌که عوامل مربوط به تدوین خط‌مشی، عوامل اداری، ساختاری و بوروکراتیک دارای اهمیت بیشتری می‌باشند برخی عوامل مربوط به تدوین عبارت‌اند از: تعیین دقیق مراحل اجرا، در نظر گرفتن نهاد نظارت بر اجرا، کثرت مسیرهای اقدام و اجرا، مشارکت اعضای هیئت‌علمی در سیاست‌گذاری آموزش عالی، هماهنگی در تدوین بین اجراکننده (توازن کل فرایند)، ارزیابی خط‌مشی‌های قبلی، در نظر گرفتن مبانی علمی و تئوریک و...

به‌منظور اجرای موفق خط‌مشی‌های تدوین‌شده پیشنهادات ذیل توصیه می‌شود.

- اولویت قرار دادن آموزش عالی توسط دولت و در نظر گرفته بودجه اختصاصی جهت اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی
- اخذ نظر صنعت و جامعه در سیاست‌گذاری‌های نظام آموزش‌عالی و ایجاد مدلی برای درگیر نمودن بنیادین صنعت و جامعه نه در استفاده از برون دادها و همکاری مشترک بلکه در مسئول نمودن و ایفای نقش پویا در کارکردگرا بودن آموزش‌عالی (ارتباط با صنعت و جامعه).
- افزایش ارتباط میان سه وزارتخانه آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان و وزارت علوم تحقیقات و فناوری

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

- پرهیز از پدیده جزیره‌ای شدن و نقص در حکمرانی در شبکه‌های سیاستی.
- برخلاف بسیاری از مدل‌های تصمیم‌گیری در نظام آموزش‌عالی، شبکه‌های سیاستی هم در اتخاذ تصمیم و هم بر شیوه‌های پیاده‌سازی راهبردها درگیر است.
- در فرایند شبکه‌های سیاستی در آموزش‌عالی، نه‌تنها تصمیم بهتر اخذ می‌شود، بلکه نقاط ضعف عملکردی همه ذی‌نفعان مشخص می‌شود (همچون مدل تفکر سیستمی نقایص هر بخش مشخص است ولی بهبود به عهده همه ذی‌نفعان است).

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

- طراحی مدل تدوین خط‌مشی گذاری مبتنی بر شواهد در آموزش عالی
- طراحی مدل ارزیابی خط‌مشی‌های صورت گرفته در آموزش عالی
- بررسی وضعیت حکمرانی در آموزش عالی
- آسیب‌شناسی کمیسیون آموزش مجلس و نقش آن در خط‌مشی گذاری آموزش عالی
- آسیب‌شناسی شورای انقلاب فرهنگی و نقش آن در خط‌مشی گذاری آموزش عالی

منابع

- ابطحی، سید حسین و ترابیان، محسن (۱۳۸۹). بررسی تحقق اهداف آموزش عالی بر اساس سند چشم‌انداز بیست ساله کشور با روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی. پژوهش در نظام آموزشی، دوره ٤، شماره ۸، ٦۰-۳۱
- اخوی راد، بتول (۱۳۸۸)، بررسی‌های شیوه‌های بومی‌سازی علوم انسانی و تأثیر آن بر آموزش عالی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال ۲۲-۸۲، صص ۵۳ و ٦۳، شماره ٤
- اعرابی، سید محمد و رزقی رستمی، علیرضا (۱۳۸٤). آسیب‌شناسی اجرای خط‌مشی‌های صنعتی کشور. سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تهران.
- آراسته، حمیدرضا و توران اسفندیاری (۱۳۸۹)، خصوصی‌سازی در آموزش عالی. فصلنامه نشاء علم، سال اول، شماره ۱.
- بیگی حسین علیرضا، فروزنده دهکردی لطف اله، دانایی‌فرد حسن، پور عزت علی‌اصغر (۱۳۹٦). طراحی نظام پایش و ارزشیابی برای خط‌مشی‌های وزارت علوم. پژوهش‌های مدیریت در ایران: پاییز ۱۳۹٦, دوره۲۱, شماره ۳
- پایا، علی (۱۳۸۵)، دانشگاه، تفکر علمی، نوآوری و حیطه عمومی: تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی چاپ اول.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۹۰)، بررسی وضعیت علم و فناوری در ایران و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۱۱۵
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۳). دانشگاه و توسعه از منظر سیستمی. مجموعه مقالات همایش ۲۷ و ۲۸ خرداد، تشکل دانشگاهیان
- زهرا گلدار- مجتبی امیری- رحمت اله قلی پور سوته- منصور معظمی. (۱۳۹٦) طراحی چارچوب مفهومی درگیرسازی ذینفعان در خط‌مشی گذاری عمومی- دانش حسابرسی. ۱۷ (٦٦): ۸۱-۱۰۵
- عباسی، طیبه؛ احمدی هانیه (۱۳۹٦). توسعه مدلی برای اندازه‌گیری انسجام خط‌مشی های حوزه علوم، تحقیقات و فناوری، سیاست عمومی، دوره ۳، شماره ۲، ۱۱۷-۱۳۳.
- عمادزاده مصطفی (۱۳۸۲) تقاضای اجتماعی برای‌آموزش‌عالی، مجله پژوهشی شیخ بهایی، شماره ۳ صص، ۷۱-۵۰.
- فتح‌الهی، احمد؛ یمنی، محمد؛ صباغیان، زهرا؛ فراستخواه، مقصود و قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۹۳). تحلیل محتوایی برنامه‌های پنج‌گانه توسعه ایران با توجه به مقوله‌های الگوهای حکمرانی آموز عالی، فصلنامه انجمن آموزش‌عالی ایران، سال ششم، شماره ٤: ٤۷-۸۳.
- قلی پور رحمت‌الله، دانایی‌فرد حسن، زارعی متین، حسن، جندقی غلامرضا، فلاح محمدرضا (۱۳۹۰) «ارائه مدلی برای اجرای خط‌مشی‌های صنعتی، مطالعه موردی در استان قم» مدیریت فرهنگ‌سازمانی، دوره نهم، شماره ۲، ۱۰۳-۱۳۰
- لستر جیمز، پی و استوارت (۱۳۸۱). فرایند خط‌مشی گذاری عمومی، ترجمه مجتبی طبری و دیگران، تهران: نشر ساوالان
- مختاریان پور، مجید (۱۳۹۲). موانع اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه: بررسی تجربیات مدیران فرهنگی. اندیشه مدیریت راهبردی، سال هفتم، شماره ۲، ۷۳-۷۷
- نیاز آذری، مرضیه (۱۳۹۱). تعیین مؤلفه‌های آینده‌پژوهی جهت طراحی مدل در آموزش‌عالی، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت، سال بیست‌ویک، شماره ۹۷.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸). بررسی وضعیت برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه‌های دولتی در ایران، مجله آموزش عالی ایران، سال اول، شماره چهارم، ص ۱-۱۹.
- Ashby, E. (1966). Universities: British, Indian, African. Cambridge, MA: Harvard University Press.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

- Birnbaum, R. & Eckel, P. D. (2005). The dilemma of presidential leadership. American higher education in the twenty-first century: Social, political, and economic challenges, 2, 340-365.
- Blokland, T. (2016). Networked urbanism: social capital in the city. Routledge.
- Brennan, J. (2008). Higher education and social change. Higher Education, 56(3), 381-393.
- Brown, P. & Scase, R. (2005). Higher education and corporate realities: Class, culture and the decline of graduate careers. Routledge.
- C. Plewa & P. Quester (2005), Marketing Orientation in University Industry Linkages; Industry Linkages, Australian & New Zealand.
- Carbone, M. (2008). Mission Impossible: the European Union and Policy Coherence for Development. Journal of European Integration, 30(3), 323–342.
- Dorota Dakowska, Kathia Serrano-Velarde (2018). European Higher Education Policy. Heinelt, Hubert; Münch, Sybille. Handbook of European Policies: Interpretive Approaches to the EU, Edward Elgar pp.260-272, 2018, Handbooks of Research on Public Policy, 978-1-78471-935-7.
- Dye Thomas R. (1992) Understanding public policy, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall
- Estermann, Thomas& Nokkala, Terhi & Steinel, Monika (2011), University Autonomy in EuropE II, European University Association.
- Fielden, J. (2008). Global trends in university governance. World Bank Education, Working Paper Series 9, Washington: The World Bank.
- Fleacă, E. Marin, A. & Fleacă, B. (2016). The challenges of Romanian higher education–a review on the key enablers for modernization. Procedia Technology, 22, 1121-1128.
- Gayle, D. J. Tewarie, B. & White, A. Q. (2003). Governance in the Twenty-First-Century University: Approaches to effective leadership and strategic management. ASHE-ERIC Higher Education Report, 1(30). Hoboken, NJ: Wiley.
- Gibbons, M. Limoges, C. Nowotny, H. Schwartzman, S. Scott, P. & Trow, M. (1994). The new production of knowledge: The dynamics of science and research in contemporary societies. Sage.
- H. Nowotny (2006), "Real Science is Excellent how to Interpret Post Academic Science, Mode 2 and ERC", Journal of Science Communication, Vol. 5, No. 4, pp. 1-4.
- Hogwood, B. and Gunn, L. (1984). Why perfect implementation is unattainable? Policy analysis for real world. Oxford: Oxford university press.
- Hughes, D. & Lauder, H. (1991). HUMAN-CAPITAL THEORY AND THE WASTAGE OF TALENT IN NEW-ZEALAND. New Zealand Journal of Educational Studies, 26(1), 5-20.
- Huttunen, S. Kivimaa, P. & Virkam ن ki, V. (2014). The need for policy coherence to trigger a transition to biogas production. Environmental Innovation and Societal Transitions, 12, 14–30. https://doi.org/10.1016/j.eist.2014.04.002
- Jones, Charles, (2005) An Introduction to the Study of Public Policy, p. 179
- Kraft, M. E. & Furlong, S. R. (2015). Public Policy; Analysis and Alternatives. Fifty Edition. U.S.A: Sage Publication.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

- M. Brookes (2005), "Higher Education: Marketing in a Quasi - commercial Service Industry", Nonprofit and Voluntary Societal Marketing, Vol. 8, No. 2.
- May P. J. Sapotichne, J. & Workman, S. (2006). Policy Coherence and Policy Domains. Policy Studies Journal, 34(3), 381–403.
- Merle. Jacob (2005), Re-norming the Science-Society Relation, CIRCLE, Lund University.
- Nuttall, S. (2005). Coherence and Consistency. In C. Hill & M. Smith (Eds.), The European Union and International Relations (pp. 91–112). Oxford: Oxford University Press.
- Nyhagen G.M. Bleiklie I. Hope K. (2017) Policy Instruments in European Universities: Implementation of Higher Education Policies. In: Bleiklie I. Enders J. Lepori B. (eds) Managing Universities. Palgrave Studies in Global Higher Education. Palgrave Macmillan, Cham
- Pressman J. Wildavsky A. (1973) Implementation, University of California Press: Berkeley.
- Quorum/Greenwood. Johnson, A. T. & Hoba, P. (2015). Rebuilding higher education institutions in post-conflict contexts: Policy networks, process, perceptions, & patterns. International Journal of Educational Development, 43, 118-125.
- Roman Alexandro V. (2015), The Determinants of Public Administrators' Participation in Policy Formulation, American Review of Public Administration, pp 1– 28.
- Rutter, J, Marshall, E. & Sims, S. (2012). The "S" Factors. Institute For Government.
- Sabatier, P. & Mazmanian, D. (1980). The implementation of public policy: A framework of analysis. Policy studies journal, 8(4), 538-560
- Spratt, K. (2009). Policy Implementation Barriers Analysis: Conceptual Framework and Pilot Test in Three Countries. Washington, DC: Futures Group, Health Policy Initiative, Task Order.
- Steven, Thomas Seitz. (1968). Bureaucracy, Policy, and the Public. St. Louis, MO: C. V. Mosby, p.164.
- Tomas R. Dye, Understanding Public Policy Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, (1972):2.
- Välimaa, J. & Hoffman, D. (2007). The future of Finnish higher education challenged by global competitive horizons. Prospects of higher education: Globalization, market competition, public goods and the future of the university, 185-200.
- Weber, Max. (1962).we can see the classic definition explanation of bureaucracy, "Bureaucracy, in from max Weber: Essays in sociology, trans. H.H. Gerth and C. Wright Mills.New York: Oxford University Press, pp. 196-244.
- Paalumbo, D.J. & Calista, D. J. (1990). Implementation and policy process: opening up the black box. New York, Greenwood Press.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]